

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۰۵

## تحلیلی بر حق مادران بر سقط جنین به عنوان ناقض حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی در حقوق بین الملل با رهیافتی اسلامی

۹

دو فصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

تحلیلی بر حق مادران بر سقط جنین به عنوان ناقض حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی در حقوق بین الملل با رهیافتی اسلامی  
مریم احمدی نژادی

مریم احمدی نژاد<sup>۱\*</sup>

۱. استادیار دانشگاه الزهراء، تهران، تهران، ایران.

### چکیده

«حق بر شناسایی شخصیت حقوقی» که توجه نظم حقوقی را بر هر یک از انسان‌ها متمرکز کرده و به کرامت اساسی انسان در قانون واقعیت می‌بخشد، به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی جهت تمتع از کلیه آزادی‌ها در حقوق بین الملل مورد پذیرش قرار گرفته است. تحقق این حق در خصوص جنین انسانی که می‌تواند به عنوان یکی از اعضای خانواده بشری محسوب گردد، با اختلاف نظرهایی همراه گشته است. این اختلاف نظرها در نهایت منجر به اختلاف آراء در ارتباط با سقط جنین شده است. به طوری که برخی تعلق حق بر شناسایی شخصیت حقوقی را به جنین انکار نموده و «حق مادران بر اختیار سقط جنین» را به عنوان حقی بشری مورد پذیرش قرار داده‌اند و عده‌ای شخصیت حقوقی جنین را به طور کامل مورد پذیرش قرار داده‌اند و رفتارهایی برخلاف آن را نمونه بارز بردگی و نقض حق بر شناسایی شخصیت حقوقی می‌دانند. در این بین برخی صاحب نظران و مکاتب فکری راه میانه‌ای را برگزیده‌اند.

**واژگان کلیدی:** جنین، حق بر شناسایی شخصیت حقوقی، سقط جنین، حقوق بین الملل.

تنها راه تحقق بخشیدن به عدم تسلط افراد بر یکدیگر، تأسیس یک وضعیت جهانی و مشترک قانونی برای تمامی اشخاص به عنوان موضوعات حقوقی است. چراکه صرفاً زمانی که همه افراد، موضوعات قانونی و اشخاص حقوقی نزد قانون باشند، حق آزادی به صورت جهانی نسبت به همه آنها اعمال شده است (Bohman, August 2009, Vol 37: 547). از این رو در پی تلاش‌های جامعه بین‌المللی جهت عینیت بخشیدن به حقوق بشر و کرامت انسانی وی، در حقوق بین‌الملل، حق فرد به شناسایی شخصیت حقوقی‌اش، در اسناد بین‌المللی متعددی<sup>۱</sup> مورد پذیرش قرار گرفته و جایگاه برجسته‌ای در میان سایر قواعد حقوق بین‌الملل<sup>۲</sup> بشر یافته است.

حق فرد به شناسایی شخصیت حقوقی که ابتدائاً در برابر اشکال مدرن برده‌داری وضع گردید، مفهوم محوری حقوق بشر است و اغلب به عنوان نتیجه‌ای مستقیم از حق کرامت انسانی توصیف می‌شود. این حق، صلاحیت و ظرفیت هر انسان را برای دارا شدن حقوق و تعهدات حقوقی بیان می‌کند و هر انسانی را به صرف انسان بودنش در بر می‌گیرد (Human Rights Council, March 2012) و پس از حق حیات برای افراد، حق برجسته و ممتازی است. به طوری که اگر به عنوان یک شخص نزد قانون شناسایی نشوند، اجرای سایر حقوق آنها مسدود می‌گردد (Rhona, 2007: 236). بر این اساس، حق مزبور که در حقوق بین‌الملل در زمره حداقل‌های حقوق بنیادین بشر از آن یاد می‌شود، به سان تنفس، ضروری و لازم است (Galchinsky, 2011: 3).

در حالیکه در ارتباط با این مسئله که جنین انسان دارای «حق بر شناسایی شخصیت حقوقی» هست یا خیر، اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد، که به نوبه خود منجر به اختلاف آراء در خصوص جواز یا عدم جواز سقط جنین شده است. به طور کلی اگر شخصیت حقوقی جنین در تمام دوران جنینی یا در بخشی از آن، مورد پذیرش واقع شود، اعطای حق بر سقط جنین به مادر، ناقض حق بر شخصیت حقوقی جنین می‌باشد. چراکه در این صورت اختیار حیات و ممانعت یک موجود انسانی که بسیار آسیب‌پذیر است، به شخص دیگری محول شده است و در نتیجه جنین مورد نظر از تمامی حمایت‌های قانونی که به لحاظ شخصیت حقوقی خود مستحق آن است، محروم می‌گردد.

در این بین اسناد و رویه‌های بین‌المللی نیز راهکار مشخصی ارائه نداده‌اند، و در برخی موارد تعارضاتی در آنها مشاهده می‌شود. لذا در ذیل برای رسیدن به پاسخ این پرسش که، آیا جنین انسانی به سان یک انسان کامل دارای شخصیت حقوقی است؟ و این که حق

بر شناسایی شخصیت حقوقی در خصوص او در تمام مراحل جنینی قابل اجرا خواهد بود یا خیر؟، به تفصیل نظرات مختلفی را که در خصوص جواز یا عدم جواز سقط جنین وجود دارد، و اسناد و رویه‌های موجود در این خصوص را، از منظر حق بر شناسایی شخصیت حقوقی در ارتباط با جنین یا کودک متولد نشده، مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

## گفتار اول- اختلاف نظر در شخصیت حقوقی جنین

پاره‌ای صاحب‌نظران، کودک متولد نشده را فاقد حق بر شخصیت حقوقی دانسته و سقط جنین را به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی به‌طور مطلق پذیرفته و معتقد به لغو کلیه محدودیت‌ها نسبت به سقط جنین و آزادی بی‌قید و شرط آن هستند. در مقابل، برخی دیگر، برای جنین قائل به شخصیت حقوقی می‌باشند و با سقط جنین مخالف بوده و تحت هیچ شرایطی آن را مجاز نمی‌شمارند و حفظ جنین را یک تکلیف و وظیفه مطلق می‌شمرند، لذا حکم به تحریم قطعی و بدون استثناء سقط جنین می‌دهند و آخرین گروه، دیدگاه میانه اختیار کرده‌اند و قائل به آزادی نسبی سقط جنین شده‌اند. (نوذری فردوسی، ۱۳۸۴، شماره ۲۸: ۴۶)

در این بین عده‌ای که موافق و مدافع سقط جنین می‌باشند، جرم‌انگاری این عمل را با حقوق بشری مادر در تعارض می‌بینند. این عده زمان تحقق شخصیت حقوقی را در جنین به مراحل متأخر تکامل جنین و حتی بعد از تولد او موکول می‌کنند و رشد عقلی و روانی جنین را ملاک تعلق شخصیت حقوقی به وی قرار می‌دهند. برخی نیز بر فرض قبول انسانیت جنین، حقوق مادر را مقدم بر حقوق جنین می‌پندارند. (اترک، ۱۳۸۷، شماره ۳: ۵۵) آن‌ها معتقدند پایان دادن به سقط جنین‌های غیر بهداشتی ضرورت حقوق بشر است. ایشان به لزوم حفظ سلامتی مادران استناد جسته و نظر به این امر دارند که، سقط‌های غیر قانونی که در محیط‌های فاقد حداقل امکانات بهداشتی انجام می‌شود، جان زنان را تهدید می‌نماید، از این رو قانونی‌شدن سقط جنین باعث کم شدن این مرگ و میرها و تأمین سلامتی زنان می‌شود. ایشان بر این امر تأکید می‌نمایند که در کلینیک‌های تخصصی، زنان باردار با مشکلات کمتری پس از سقط جنین مواجه می‌گردند. طرفداران سقط جنین به شدت تأکید می‌کنند که جرم‌انگاری کردن سقط جنین به ناچار آن را ناامن خواهد کرد. (Grimes, 2006: 1) آن‌ها برای اثبات مدعای خویش به حقوق بشری چون، حق حیات<sup>۲</sup>، حق آزاد شدن از رفتارهای ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز<sup>۴</sup>، حق برابری و آزاد بودن از تبعیض جنسیتی<sup>۵</sup>، حق تغییر عرف‌های تبعیض‌آمیز علیه زنان<sup>۶</sup>، حق بر تمامیت

جسمانی<sup>۷</sup>، حق سلامتی، بهداشت باروری، و تنظیم خانواده<sup>۸</sup>، حق حریم خصوصی<sup>۹</sup>، حق تعیین تعداد و فاصله بین تولد فرزندان<sup>۱۰</sup>، حق برخورداری از مزایای پیشرفت‌های علمی<sup>۱۱</sup> استناد می‌نمایند.<sup>۱۲</sup>

این دیدگاه که در دهه‌های اخیر بسط یافته، شخصیت حقوقی جنین را به کلی انکار می‌کند و اغلب مبتنی بر یک طرز فکر افراطی فمینیستی است که به مادران<sup>۱۳</sup> قدرت می‌دهد تا فرزندان خود را بدون دلیل موجه سقط نموده، از بین ببرند. در این دیدگاه «حق مادران به سقط جنین»<sup>۱۴</sup> به مثابه حقی بشری مورد شناسایی قرار گرفته است. از این رو تحت سلطه افکار حامیان سقط جنین که «حق بر شخصیت حقوقی» را در ارتباط با جنین انسان انکار می‌نمایند، در حال حاضر در بسیاری از کشورها از سقط جنین جرم‌زدایی شده و به صورت امری قانونی مورد پذیرش قرار گرفته است، این امر خود موجب شده که میلیون‌ها جنین یا کودک متولد نشده در معرض خطر سقط قرار گیرند. از این منظر کودکان متولد نشده به اشیاء حقوقی صرف تبدیل می‌شوند، و از حق بر شناسایی به عنوان یک شخص در برابر قانون<sup>۱۵</sup> محروم می‌گردند، همانند مجرمین با آن‌ها رفتار می‌شود، و توسط مرگ مدنی مجازات می‌شوند و به عنوان نامزدهایی برای سقط جنین قانونی مورد توجه قرار می‌گیرند. در این دیدگاه کودکان متولد نشده در معرض خطر سقط جنین، از یک مجازات اعدام خودسرانه که بر آن‌ها تحمیل شده، رنج می‌برند. (Rita, 2009: 67-68) مطابق با این نگاه، دیوان عالی آمریکا در قضیه رو علیه وید<sup>۱۶</sup> اعلام کرد که: «این یک حق اساسی برای زنان است که برای پایان دادن به یک بارداری ناخواسته با یک سقط قانونی و ایمن، بتوانند انتخاب کنند»<sup>۱۷</sup> از این رو مطابق با «حق مادران به سقط کودکان متولد نشده خود» به آن‌ها اجازه داده می‌شود تا نابودکننده‌ترین قدرت از همه قدرت‌هایی که حقوق ادعایی مالکیت و سلطه را حق خود می‌دانند، باشند. با شناسایی این حق، مادران زندگی و مرگ فرزندان خود را تحت هر شرایطی در اختیار دارند. بر این اساس برخی معتقدند، حق مادران بر اختیار در سقط جنین، - هرچقدر که آن جنین کوچک یا وابسته و یا پر زحمت و یا ناخواسته باشد- مستقیماً با سنت قدیمی بردگی، مرتبط است (Rita, 2009: 87).

در نقطه مقابل این گروه که سقط جنین را حق مادران می‌داند، مخالفان سرسخت سقط جنین هستند که از همان آغاز تشکیل نطفه و زمان‌های اولیه‌ی رشد جنین، او را دارای شخصیت حقوقی انسانی دانسته و تمامی حقوق انسانی را در خصوص او مجری می‌دانند. اینان برخورداری از شخصیت حقوقی را برای جنین به‌طور کلی بر اساس رشد

بیولوژیکی او تفسیر می‌نمایند. آن‌ها رویان را از همان مراحل اولیه رشد یک موجود انسانی دارای حقوق بشری می‌دانند، چون معتقدند رشد بیولوژیکی انسان یک پروسه مستمر است و هیچ نقطه متمایزی در رشد جنین وجود ندارد که ناگهان جنین را تبدیل به یک شخص انسانی نماید. بنابراین از همان اول باید او را یک شخص انسانی دانست (اترک، ۱۳۸۷، شماره ۳: ۵۷). از این‌رو، ایشان بر این باورند که جرم‌زدایی از سقط جنین ممکن است نشان دهنده بازگشت به رویه وحشیانه در حقوق روم باستان باشد. همان‌طور که در آن زمان نیز برخی از انسان‌ها به اشیاء حقوقی صرف تبدیل شدند و وضعیت انسانی آن‌ها به‌عنوان یک شخص حقوقی انکار شد. در حقیقت، آنان معتقدند که به رسمیت نشناختن جنین از همان ابتدا به‌عنوان یک شخص نزد قانون، از شنیع‌ترین اشکال مجازات است (Rita, 2009: 67). از منظر ایشان، عمل متولد شدن نیست که حقوق بشر را اعطا می‌کند، بلکه حقوق بشر با انسان بودن آغاز می‌گردد. بدین‌سان دولت نمی‌تواند حقوق بشر جنین در معرض خطر سقط را برای اینکه با برابری در کرامت و حقوق متولد شود، انکار نماید؛ به‌دلیل این‌که حمایت از حقوق بشر هرگز به یک پیش‌شرط انحصاری که کودک باید ابتدائاً متولد شود، استوار نبوده است. حقوق بشر به صراحت اعلام می‌نماید که «حقوق اساسی بر اساس مشخصات شخصیت انسانی بنا شده است»<sup>۱۸</sup> به‌عنوان مثال کودکانی که در زمان نامناسب در رحم مادران خود به‌وجود آمده‌اند، یا دارای معلولیت هستند، یا دو جنسه هستند، یا پدری دارند که جنایت تجاوز به عنف و یا زنا با محارم مرتکب شده است، و یا حتی فقط «ناخواسته» هستند، حق دارند از شخصیت حقوقی انسانی خویش بهره‌مند گردند (Rita, 2009: 68 & 150 & 215). از منظر ایشان، «حق بر شخصیت حقوقی» و «حق حیات» جنین پس از تشکیل نطفه از جمله حقوق مسلم جنین می‌باشد، چراکه جنین از همان ابتدا برخوردار از شخصیت حقوقی است که اجرای سایر حقوق بشری را در ارتباط با او لازم می‌سازد. در راستای این نظر، اصلی در جامعه حقوقی روم باستان متعارف و متداول بوده که تأکید می‌نمود: فرد انسانی متولد نشده به‌عنوان یک شخص موجود می‌باشد.<sup>۱۹</sup> حقوق جنین و شخصیت آن توسط آلفین<sup>۲۰</sup>، ژوستین<sup>۲۱</sup>، گراتیان<sup>۲۲</sup> و دیگر اساتید حقوق در زمان‌های قدیم تنظیم شده بود. یهودیت و مسیحیت نیز از احترام مشترک برای حقوق کودک قبل از تولد دفاع کرده‌اند و تفکری نسبتاً همسو دارند.<sup>۲۳</sup>

در این بین گروه سومی نیز هستند که با فهم هیچ‌یک از دو گروه پیشین توافق ندارند و در دوره‌ای خاص از شکل‌گیری جنین برای او شخصیت حقوقی قائل هستند. از میان آنان

بسیاری معتقدند در پروسه رشد جنین، نقاط مشخص و متمایزی وجود دارد که از نظر اخلاقی می‌تواند، مهم باشد. برخی پایان دوره رویانی و برخی پایان دوره جنینی که تمام سیستم‌های ارگانیکی جنین کامل شده‌اند را به‌عنوان معیار آغاز شخصیت حقوقی جنین، حائز اهمیت می‌دانند. برخی نیز زمان زیست‌پذیری مستقل جنین در خارج از رحم را به‌منزله ملاک دارا بودن شخصیت حقوقی برای وی، می‌دانند (اترک، ۱۳۸۷، شماره ۳: ۵۷).

در پندار اسلامی، جنین انسان از ابتدای شکل‌گیری نطفه، محترم است. اگرچه او در این مرحله حیات نباتی دارد، اما یک انسان بالقوه است، همان‌طور که امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَخْلُقُ نُطْفَةٌ (بروجردی، ۱۳۸۶، المجلد الواحد و ثلاثون: ۱۱۸)؛ یعنی اولین منزلگاه خلقت انسانی نطفه است. از این‌رو است که حق حیات او مورد پذیرش اسلام واقع شده است. همان‌طور که استاد برجسته مرحوم علامه جعفری در این مورد می‌فرماید: «حق حیات از آغاز بروز ماده خلقت آدمی که نطفه است و با قرار گرفتن آن در مسیر بروز حیات در این عالم، به‌وجود می‌آید و هر کسی که به تکلیف خود درباره این حق عمل نکند، اگرچه صاحب نطفه (پدر و مادر) باشد، مجرم شناخته می‌شود و کیفر مالی هم باید پردازد.» (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰: ۲۵۰) اما از احکامی که در خصوص مراحل نخستین حیات جنینی تا مرحله حلول روح تشریح شده است، این‌چنین برمی‌آید که جنین انسانی در مراحل اولیه رشد، درحالی‌که حیات او محترم است، شخصیت حقوقی<sup>۲۵</sup> کاملی ندارد. به‌عبارتی حق بر شناسایی شخصیت حقوقی<sup>۲۶</sup> که صلاحیت و ظرفیت هر انسان را برای دارا شدن حقوق و تعهدات حقوقی بیان می‌کند (Human Rights Council, March 2012)، در خصوص او در ابتدایی‌ترین سطح قرار داشته، با رعایت استثنائات و حدودی اجرا می‌گردد. چرا که پیش از تکمیل خلقت انسانی وی و حلول روح الهی در کالبد او، جنین به‌عنوان یک شخص مستقل در برابر قانون شناسایی نمی‌گردد. به‌طوری‌که، در تعارض میان حق حیات او با حقوق بنیادین مادر<sup>۲۷</sup> به‌طور استثنایی حیات وی قابل عدول می‌باشد و عدول از آن مجازات خفیف‌تری از قتل نفس را به همراه دارد،<sup>۲۸</sup> لیکن در فرآیندی که جنین انسان در بطن مادر خویش طی می‌نماید، شخصیت حقوقی وی بر اساس واقعه مهمی که در اواسط دوران جنینی رخ می‌دهد، شکل می‌گیرد. در شرح این سخن به آیه ۱۴ سوره مومنون<sup>۲۹</sup> استناد می‌جوئیم. در این آیه از قرآن کریم، که مراحل شش‌گانه رشد جنینی را معرفی می‌نماید، پس از بیان مراحل جسمانی به انشاء خلقت دیگری که همان لولج روح در کالبد جنین می‌باشد، اشاره شده و این مرحله به‌عنوان مرحله نهایی خلقت انسانی معرفی شده است. از آن‌جا

که با دمیده شدن روح الهی در جسم بی جان جنین، خداوند به وی کرامت ذاتی بخشیده و او را شایسته برخورداری از شخصیت انسانی می‌نماید، پس از طی این مرحله و نفخ روح الهی است که خداوند انسان را شایسته این دانسته که مسجود ملائک باشد (قرآن، سوره الحجر: آیه ۲۹)<sup>۳۰</sup> و این سجده دلیلی بر تشریف و تعظیم بر کرامت انسان است.<sup>۳۱</sup> امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید<sup>۳۲</sup>: آن‌گاه خداوند سبحان از ملائکه خواست که ودیعه خدا در نزد خود را ادا کنند و به پیمان وصیتش وفا نمایند، به آنان فرمان داد که به سجده بر آدم تن در دهند و به کرامتش سر فرود آرند (طالقانی، ۱۳۷۴: ۸۹ و ۹۹). در این مرحله است که، خداوند متعال در خلقت این موجود انسانی، خود را احسن الخالقین معرفی می‌نمایند.

در این بخش از سخن لازم است در اثبات ادعای خویش به گفتاری از امام علی (ع) اشاره نماییم. حضرت امیر (ع) در این هنگام که خلقت انسان با حلول روح در کالبد بی جان وی کامل می‌شود، تحقق واژه «نفس»<sup>۳۳</sup> را در خصوص جنین تصدیق می‌نماید.<sup>۳۴</sup> براساس توضیحات و دلایلی که ارائه شد، در این مرحله می‌توان جنین را حائز شخصیت حقوقی دانست و حق شناسایی شخصیت حقوقی را در خصوص او به‌طور کاملی مجری دانست؛ چرا که با ورودش به این مرحله از تکوین، جنین دارای کرامت انسانی<sup>۳۵</sup> شده و بسیاری از احکام انسان کامل<sup>۳۶</sup> بر او بار می‌شود و همچنین قتل وی به هیچ دلیلی توجیه نمی‌گردد<sup>۳۷</sup> و دیه قتل او، دیه کامل یک انسان خواهد بود.<sup>۳۸</sup> در این معنا است که به رسمیت شناختن «حق مادران در اختیار بر سقط جنین»، که منجر به افزایش سقط جنین می‌شود، جنین را در معرض نوعی از بردگی قرار می‌دهد؛ چراکه در این فرض جنین انسان در تمامی مراحل رشد، فاقد هرگونه شخصیت حقوقی محسوب شده و حیات و ممت او، در اختیار انسان دیگری قرار می‌گیرد.

در این میان، این پرسش مطرح می‌شود که، با وجود حائز حق بر شخصیت حقوقی بودن جنین در این مرحله، چرا قتل عمد او مجازات قصاص را به همراه ندارد؟ از این منظر است که برخی حقوقدانان در شناسایی حق بر شخصیت حقوقی در خصوص جنین تردید نموده‌اند. لکن نگارنده بر این باور است که بنابر شواهد موجود در حقوق اسلامی، در این دوره از خلقت، جنینی که به مرحله خلقت نهایی به صراحت قرآن مجید رسیده است، مطابق با ظرفیتی که در بطن مادر دارد، حق دارد شخصیت حقوقی اش در برابر قانون مورد پذیرش واقع شود. بدین معنا که در این مرحله از رشد تکوینی، حقوق بنیادینی چون حق حیات، حق بر کرامت انسانی و... به جنین تعلق می‌گیرد. البته لازم به

ذکر است که این حقوق بشری در حد ظرفیت تکوینی فعلی جنین، در خصوص او بالفعل می‌گردد. لکن تعدادی از حقوق این موجود انسانی همچنان بالقوه باقی می‌ماند<sup>۳۹</sup> و فعلیت یافتن آن معلق به حادثه دیگری است که مرحله بعدی خلقت تکوینی وی را رقم می‌زند و شخصیت حقوقی او را توسعه می‌بخشد. این حادثه مهم که او را در شمول مفهوم «ولد» قرار می‌دهد، مرحله مهم تولد یافتن وی می‌باشد. از این رو بنا بر آنچه بیان شد، در اندیشه اسلامی، جنین از بدو شکل‌گیری نطفه شخصیت حقوقی محدودی دارد که بر اساس آن، حق حیات وی محترم شمرده شده است، به طوری که سقط آن بنا بر فتاوی فقهای شیعه حرام می‌باشد، لکن حائز حق بر شناسایی شخصیت حقوقی شدن جنین که نشأت گرفته از کرامت انسانی او است و مستلزم تکمیل خلقت جسمانی و دمیده شدن روح الهی در وی است تا از حالت نباتی به انسانی صاحب کرامت تبدیل گردد، چرا که بنا بر تعریف حق بر شناسایی شخصیت حقوقی، لازمه‌ی پذیرش حق بر شناسایی شخصیت حقوقی در خصوص انسان، کرامت ذاتی او است (van der Wolf, 2007: 21 & 23). در این مرحله است که خلقت جنین انسانی کامل شده و ترجیحی مابین حیات او و حیات سایرین وجود ندارد. البته جهت توسعه ظرفیت حقوقی<sup>۴۰</sup> جنین برای اعمال برخی حقوق طی مرحله‌ی ولادت لازم است که ظرفیت حقوقی کودک را توسعه بخشیده و جنین انسانی را در مفهوم «ولد» متبلور سازد و سایر حقوق بشری از جمله حقوق مالکانه را برای وی به اثبات رساند.

## گفتار دوم - شناسایی شخصیت حقوقی جنین و مسئله سقط جنین در اسناد و رویه‌های بین‌المللی

به‌طور کلی حقی به عنوان «حق بر سقط جنین» در قوانین بین‌المللی حقوق بشر پذیرفته نشده است؛ اما در سال‌های اخیر، طرفداران سقط جنین به دنبال پیشبرد این ایده هستند که حقی برای سقط جنین، بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، وجود دارد، و به همین دلیل معتقدند دولت‌های مستقل باید در قوانین خود جهت اعطای این حق اصلاحاتی انجام دهند. این امر در حالی است که، هنگامی که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک در حال مذاکره بودند و حتی پس از آن، در قوانین بسیاری از دولت‌های مذاکره‌کننده جنین مورد حمایت بود و سقط جنین جرم‌انگاری شده بود. تا همین اواخر، کسی نمی‌توانست حتی پیشنهاد کند که این دولت‌ها به



نحوی برای تغییر قوانین داخلی خویش در تأیید حق بر سقط جنین موافقت نمایند (Piero, 2010: 1 & 6). همچنین باید به این نکته توجه داشت که در حال حاضر، در حقوق بین‌الملل هیچ قاعده‌ای مبنی بر حق سقط جنین در حقوق معاهده‌ای و حقوق عرفی بین‌المللی وجود ندارد و هیچ‌کدام از معاهدات سازمان ملل متحد حقی مبنی بر «حق سقط جنین» را ایجاد نکرده‌اند و آن را به رسمیت نشناخته‌اند (Benagiano, July 2012, vol.2: 259). لذا دولت‌ها در وضع قوانین در این خصوص بر اساس صلاحیت داخلی‌شان آزاد هستند.

در این میان در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۴۱</sup> قاعده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد این میثاق، جنین را به‌عنوان یک عضو از خانواده بشری به رسمیت می‌شناسد و دولت را موظف می‌نماید جهت حفاظت از حق ذاتی حیات جنین هنگامی که زندگی او به خاطر حکم اعدام مادرش، در معرض خطر قرار گرفته است، از مجازات اعدام مادر جنین بی‌گناه، جلوگیری نماید (Rita, 2009:142)، نیک پیدا است که علت درج قاعده ممنوعیت اعدام زنان باردار، به رسمیت شناختن ارزش زندگی کودک در رحم مادر می‌باشد (Piero A. Tozzi, J.D., 2010: 7)، از آن‌جا که همه‌ی زنان دیگر ممکن است در معرض مجازات اعدام قرار گیرند، این بند از ماده ۶ میثاق می‌تواند به عنوان شناسایی وضعیت مستقل جنین از مادر تعبیر شود.

سازمان ملل متحد در مقدمه اعلامیه حقوق کودک<sup>۴۲</sup> و پس از آن در مقدمه کنوانسیون حقوق کودک<sup>۴۳</sup> اعلام می‌نماید که کودک به دلیل عدم بلوغ جسمی و روانی خود، نیازمند تضمین‌ها و مراقبت‌های خاص است، از جمله حمایت‌های قانونی مناسب پیش و پس از تولد<sup>۴۴</sup>؛ این عبارت‌بندی از یک سو حقوق بشری جنین را مورد پذیرش و شناسایی قرار داده است و از سوی دیگر اثبات می‌کند که منظور از کودک در متون حقوقی، شامل کودک متولد شده و کودک متولد نشده می‌شود. لذا با توجه به روح اعلامیه حقوق کودک و کنوانسیون حقوق کودک، می‌توان بر آن بود که حفظ جان اطفال تولد نیافته مورد توجه حقوق بین‌الملل می‌باشد و اعمال سقط جنین به صورت آزاد و در شرایط غیر اضطراری، به منزله نقض حقوق بین‌الملل خواهد بود (مهرگان، ۱۳۸۴: ۴۱۴).

در خصوص نقض ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۴۵</sup> (حق شناسایی شخصیت حقوقی) با تجویز سقط جنین و شناسایی حق مادران بر سقط جنین، در حقوق بین‌الملل دو نظر وجود دارد؛ نظر نخست از این قرار است که اطلاق واژه «هرکس» می‌تواند کودکان متولد نشده را هم دربرگیرد، طرفداران این نظر معتقدند که در این خصوص هیچ شواهد تاریخی وجود ندارد که تدوین‌کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا

تدوین‌کنندگان اعلامیه و کنوانسیون حقوق کودک، در نظر گرفته باشند که کودک قبل از تولد، صرفاً مستحق این قبیل «حفاظت قانونی» است که برای اشیاء قانونی<sup>۶۸</sup> مناسب است، و اگر منظور این بوده که به رسمیت شناختن به عنوان یک شخص در برابر قانون را برای کودکان پیش از تولد رد نمایند و چنین تمایز مهمی مورد نظر بود، آن را به طور کامل مورد بحث و تحلیل قرار می‌دادند. به عقیده اینان حق به رسمیت شناختن به عنوان یک شخص در برابر قانون، اساس حق جنین را برای بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های بشری بر اساس برابری، و به همان دلیل که کودکان بعد از تولد از آن بهره می‌برند، تشکیل می‌دهد. از این رو اینان معتقدند که، فشار جهانی اخیر برای جرم‌زدایی از سقط جنین در واقع نقض فاحش این تعهد حقوق بشری است (Rita, 2009:68-69).

البته در این خصوص نظر دیگری نیز وجود دارد که برخلاف نظر پیشین است و آن اینکه اصطلاح «هرکس» که در ماده ۶ اعلامیه جهانی به کار برده شده، کودکان متولد نشده را شامل نمی‌شود؛ زیرا آن‌ها توسط قانون به عنوان اشیاء صرف محسوب می‌شوند که نیاز به حفاظت دارند، به مانند حیوانات که موضوع قوانینی هستند که ظلم و ستم به حیوانات را منع می‌کند.<sup>۶۷</sup> بنابراین، ایشان معتقدند که مقررات حقوق کیفری یا اداری داخلی که هدف آن‌ها حفاظت از زندگی کودکان متولد نشده است و سقط جنین را منع و یا محدود می‌کنند، را نمی‌توان به عنوان دلیلی بر به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی جنین در نظر گرفت (Guðmundur S. Alfreðsson, Asbjørn Eide, 1999: 148-149).

بدین جهت اگر بر مبنای شرح ابتدایی، جنین را دارای حق بر شخصیت حقوقی موضوع ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بدانیم؛ اعطای حق سقط جنین به مادران توسط برخی دولت‌ها، ناقض این حق خواهد بود. به این دلیل که اختیار مرگ و زندگی جنین را به فرد دیگری می‌سپارد و حمایت‌های قانونی را از او سلب می‌نماید و اگر بر مبنای تفسیر دوم از ماده ۶ به سقط جنین بنگریم و جنین را به سان حیوانات فاقد شخصیت حقوقی بدانیم، جنین را فاقد انسانیت و سقط جنین را تجویز نموده‌ایم. اگرچه هنوز هیچ مدارک و شواهد تاریخی ارائه نشده است که بر اساس آن بتوان بر این امر قائل شد که تدوین‌کنندگان ماده ۶ هرگونه قصدی بر انکار حق کودکان متولد نشده مبنی بر «شناسایی در هر جا به عنوان یک شخص در برابر قانون» داشته‌اند و هیچ‌گونه شواهدی وجود ندارد که تدوین‌کنندگان عدم شناسایی شخصیت حقوقی کودک متولد نشده در معرض سقط جنین را تأیید کرده باشند (Rita, 2009:68).

علاوه بر این، با عنایت به مواد معرف حق حیات، چون ماده ۳ اعلامیه جهانی، ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک؛ و با استفاده از اصول تفسیری مندرج در کنوانسیون وین،<sup>۴۸</sup> می‌توان از این مقررات حمایت از زندگی کودک متولد نشده را نیز تعبیر نمود.

در حالی که در هیچ‌یک از معاهدات سازمان ملل متحد از حق سقط جنین یاد نشده است، پروتکل «ماپوتو»<sup>۴۹</sup> که توسط اتحادیه آفریقایی، ضمیمه منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم شده است، شرایطی را برای صدور مجوز سقط جنین درمانی مقرر می‌دارد. بند ۲ ماده ۱۴ این پروتکل عنوان می‌دارد: «دولت‌های عضو، کلیه اقدامات مقتضی را برای حفاظت از حقوق باروری زنان با صدور مجوز سقط جنین درمانی در موارد تجاوز جنسی، زنا به عنف، زنا با محارم و مواردی که در آن ادامه بارداری سلامت روانی و جسمی مادر یا زندگی مادر یا رویان را به خطر می‌اندازد»<sup>۵۰</sup>، انجام می‌دهند. لکن اسناد کنفرانس‌های قاهره و پکن<sup>۵۱</sup>، که طی کنفرانس جهانی جمعیت و توسعه قاهره در سال ۱۹۹۴ و در چهارمین کنفرانس جهانی زنان که در سال بعد در پکن صورت گرفت، تدوین شدند، «حق بر سقط جنین» را به رسمیت شناختند. این اسناد که اسنادی غیرالزام‌آور هستند،<sup>۵۲</sup> توسط نمایندگان ملت‌های توسعه یافته جهانی برای اعلام این ادعا که حق سقط جنین وجود دارد، مدون شده‌اند (Piero A. Tozzi, J.D., 2010: 9). بر این اساس همان‌طور که ملاحظه گردید، غیر از پروتکل ماپوتو، سایر معاهدات بین‌المللی حقوق بشری در خصوص جواز یا عدم جواز سقط جنین و یا قاعده‌مند کردن آن سکوت اختیار کرده‌اند.

در این میان رویه مراجع شبه قضایی بین‌المللی، نسبت به معاهدات بین‌المللی حقوق بشری، کمی متفاوت است و صراحت بیش‌تری دارد، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد و نیز کمیته رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، مجرمانه اعلام کردن تمام موارد سقط جنین را ناقض حقوق بشر تلقی نموده‌اند. در واقع این نهادهای بین‌المللی که مسئولیت خطیر تفسیر و نظارت بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را عهده‌دار شده‌اند، جنین را به مثابه انسانی کاملاً متمتع از حق حیات تلقی نموده‌اند (زمانی، ۱۳۸۵، شماره ۱۹: ۳۴ و ۳۵). به عنوان نمونه، کمیته حقوق بشر<sup>۵۳</sup> تصریح می‌کند که در مورد مسئله حقوق بهداشت باروری، کمیته نگران است که جرم‌انگاری سقط جنین منجر شود که متخصصان پزشکی از ارائه این روش بدون دستور مقام قضایی امتناع نمایند، این امر از جمله در مواقعی که خطرات مشخصی

بر سلامتی مادر وجود دارد یا زمانی که بارداری ناشی از تجاوز به زنان معلول ذهنی می‌باشد، از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. از این رو کمیته برای بهبود این مشکلات توصیه‌هایی را به دولت‌های عضو ارائه می‌دهد.<sup>۵۴</sup>

اشاره به قضیه کارن هومان علیه دولت پرو، که در کمیته حقوق بشر مطرح بوده به روشن شدن مطلب کمک می‌نماید. در این پرونده، متقاضی مادر ۱۷ ساله بارداری است که به تشخیص پزشک جنین وی مواجه با ناهنجاری‌هایی است که این ناهنجاری‌ها خطراتی را برای مادر و جنین به همراه دارد. پزشک معالج سقط جنین درمانی را به وی توصیه نمود. با این حال پزشک برای انجام کورتاژ نیاز به اجازه رسمی رئیس بیمارستان داشت که او نیز بر خلاف ماده ۱۱۹ قانون کیفری پرو که سقط درمانی را مجاز می‌داند، به غیر قانونی بودن سقط استناد نموده و مجوز سقط را صادر ننمود. لذا جنین سقط نشد و پس از تولد در حالی که ۴ روز زنده ماند و مادر به او وابسته شده بود، نوزاد فوت کرد و پس از مرگ او، مادر ۱۷ ساله دچار افسردگی شدیدی شد.<sup>۵۵</sup> در این قضیه کمیته حقوق بشر موضوع را نقض ماده ۷ میثاق اعلام کرد و به تفسیر عمومی شماره ۲۰ خود استناد نمود که در آن اشاره شده است که حق منع شکنجه موضوع ماده ۷ این میثاق نه تنها به درد جسمی بلکه به درد و رنج روانی مربوط می‌شود، خصوصاً در این مورد که مادر باردار فردی زیر سن قانونی بوده که حمایت از او اهمیت دارد.<sup>۵۶</sup>

کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان<sup>۵۷</sup> در خصوص مسئله سقط جنین سکوت اختیار کرده است و نمی‌توان دلیلی برای مشروع تلقی کردن سقط جنین از آن استخراج نمود. لکن کمیته رفع تبعیض علیه زنان<sup>۵۸</sup> در توصیه عمومی<sup>۵۹</sup> شماره ۶ خود اعلام می‌کند: در ارتباط با عدم دسترسی زنان به مراقبت‌های پزشکی، به‌ویژه خدمات بهداشت باروری و جنسی نگرانی وجود دارد؛ و تصریح می‌نماید که سقط جنین‌های مخفیانه<sup>۶۰</sup> از علل عمده مرگ و میر مادران<sup>۶۱</sup> است. از این‌رو این مسئله که سقط جنین در قانون پاکستان جرمی قابل مجازات است که زنان را با سقط جنین‌های ناایمن که برای حیات و سلامت آن‌ها خطرآفرین است، مواجه می‌کند، نگرانی عمیق کمیته را برانگیخته است.<sup>۶۲</sup>

همچنین کمیته رفع تبعیض علیه زنان در پنجاه و یکمین جلسه خود در سال ۲۰۱۲ از شکست طرح جرم‌زدایی از سقط جنین در دولت شیلی و این‌که سقط جنین در این کشور در تمام شرایط یک جرم جنایی است، تأسف عمیق خود را اظهار می‌کند؛ و از جمله در مورد مادرانی که سلامت و زندگی آن‌ها در موارد ناهنجاری‌های جدی جنین یا تجاوز به عنف<sup>۶۳</sup> در معرض خطر جدی است، تأکید می‌نماید.<sup>۶۴</sup>

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقررهای در خصوص سقط جنین ندارد، اما دیوان اروپایی حقوق بشر، سقط جنین درمانی را در تمام دوران جنینی مجاز می‌شمارد. دیوان در یکی از آراء خود چنین مقرر نموده است: درحالی‌که مقررات دولتی در سقط جنین مربوط به تعادل بین حریم خصوصی و منافع عمومی است، دولت‌ها باید سقط جنین درمانی را برای حفظ و تأمین سلامت روحی مادران، مورد ارزیابی قرار دهند.<sup>۶۵</sup>

در نهایت باید اذعان کنیم که نوعی ناهماهنگی حقوقی بر سر حق جنین بر شخصیت حقوقی و حق حیات وی، با حق زن بر اختیار، در عرصه بین‌المللی، ملاحظه می‌شود. چرا که از یک طرف در معاهدات عمده بشری قواعدی مبنی بر حق مادران به سقط جنین و یا حتی محدودیت حق حیات جنینی جز در مورد پروتکل ماپوتو مشاهده نمی‌شود، و این معاهدات حدود و ثغور مشخصی را بر سقط جنین وضع نموده‌اند و از سویی دیگر رویه‌های بین‌المللی قواعدی را بر آزادسازی سقط جنین در مواردی که با حقوق مادر در تعارض است، در نظر گرفته‌اند؛ که البته از این قواعد حق مادران به سقط جنین استنباط نمی‌شود و تنها محدودیت‌هایی بر حق حیات جنینی است که عمدتاً به دلایل درمانی، و با در نظر گرفتن مصلحت‌های روحی و جسمی مادر وضع شده‌اند. لکن مسئله‌ای که در این‌جا موجب عدم توافق بر وجود یا عدم وجود حق حیات جنینی شده است، این است که در معاهدات و رویه‌های بین‌المللی، مسئله «شخصیت حقوقی جنین» مبهم باقی مانده است و آغاز و پایانی برای آن در نظر گرفته نشده است؛ و این مسئله منجر به این شده که گروهی بر مبنای اسناد بین‌المللی جنین را در دوره جنینی حائز شخصیت حقوقی بدانند و گروهی نیز بر مبنای رویه‌های موجود، جنین را فاقد شخصیت حقوقی محسوب نمایند.

## نتیجه‌گیری

از مواردی که می‌تواند مصداق نقض «حق بر شخصیت حقوقی»<sup>۶۶</sup> باشد، «حق مادران بر سقط جنین» است. از این رو اگر جنین را برخوردار از حق شناسایی شخصیت حقوقی در تمام مراحل جنینی یا در زمان خاصی از رشد وی بدانیم، حق مادران بر سقط جنین می‌تواند مصادف با نوعی بردگی باشد؛ چرا که در این فرض قدرت حیات و ممات جنین را در اراده شخص دیگری قرار داده‌ایم که این امر می‌تواند از جمله شدیدترین مصادیق «سلطه یک فرد بر شخص دیگر» محسوب گردد. البته در این مسئله که جنین دارای حق بر شخصیت حقوقی هست یا خیر، اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد، این اختلاف نظرها منجر به اختلاف آراء در خصوص جواز یا عدم جواز سقط جنین شده است. برخی معتقدند که جنین فاقد شخصیت حقوقی است، عده‌ای جنین را از همان ابتدا حائز شخصیت حقوقی می‌دانند؛ در این بین نظر میانه‌ای وجود دارد که در دوره‌ای خاص از شکل‌گیری جنین، برای او شخصیت حقوقی قائل است. در پندار اسلامی، جنین انسان از مرحله نطفه تا زمانی که روح الهی در کالبد بی‌جان او دمیده شود، اگرچه هنوز شخصیت حقوقی کاملی به او تعلق نگرفته است، لکن از آن جهت که این موجود بالقوه ظرفیت تبدیل شدن به اشرف مخلوقات را دارد؛ حیات وی قابل احترام بوده، و صرفاً تحت دلایلی موجه می‌توان به حیات او خاتمه داد. اما پس از تکمیل خلقت جسمانی، و حلول روح الهی در کالبد بی‌جان او، جنین از حالت نباتی عبور کرده و تبدیل به انسانی صاحب کرامت می‌شود (قرآن، سوره الحجر: آیه ۲۹)<sup>۶۷</sup> و به صراحت قرآن مجید به مرحله خلقت نهایی، نائل می‌گردد. در این هنگام جنین حائز حق شناسایی شخصیت حقوقی شده و مطابق با ظرفیتی که در بطن مادر دارد، حق دارد شخصیت حقوقی‌اش در برابر قانون مورد پذیرش واقع شود. در این مرحله، هیچ دلیل موجهی قتل او را توجیه نمی‌نماید و حقوق بنیادین وی همچون حق حیات، مانند سایر افراد و در همان سطح مورد پذیرش قرار می‌گیرد به گونه‌ای که در این مرحله در تعارض حق حیات جنین با حق حیات فرد دیگری ترجیحی وجود ندارد. البته لازم به ذکر است که حقوق بشری جنین انسانی در حد «ظرفیت تکوینی فعلی»، در خصوص او بالفعل می‌گردد. درحالی‌که تعدادی از حقوق بشری این موجود انسانی همچنان بالقوه باقی می‌ماند و فعلیت یافتن آن معلق به طی مرحله‌ی ولادت است که جنین را در مفهوم «ولد» متبلور می‌سازد و شخصیت حقوقی او را توسعه بخشیده، سایر حقوق بشری از جمله حقوق مالکانه را برای وی به اثبات می‌رساند. در حقوق بین‌الملل در خصوص قواعد حاکم بر سقط جنین، نوعی ناهماهنگی مابین «حق

جنین بر شخصیت حقوقی و حق حیات وی»، با «حق زن بر اختیار در سقط جنین»، در میان معاهدات و عملکردهای بین‌المللی ملاحظه می‌گردد. چرا که از یک طرف در معاهدات عمده بشری قواعدی مبنی بر محدودیت حق حیات جنینی جز در مورد پروتکل مابوتو مشاهده نمی‌شود، بدین معنی که از اغلب معاهدات مجوزی برای سقط جنین استنباط نمی‌گردد و از سویی دیگر عملکرد مراجع بین‌المللی حکایت از آزادسازی سقط جنین در مواردی که با حقوق مادر در تعارض است، دارد. این درحالی است که این مراجع، محدوده دلایل موجهی که بر اساس آن قانوناً می‌توان سقط جنین نمود را گسترش داده و عمدتاً ناظر بر حقوق مادران بوده‌اند. مضافاً این که در معاهدات بین‌المللی و عملکرد مراجع بین‌المللی قاعده‌ای برای معیار زمانی شناسایی شخصیت حقوقی جنین مشاهده نمی‌شود و مسئله دیگری که در این زمینه در حال وقوع است، این مطلب است که به دلیل عدم حمایت صریح حقوق بین‌الملل از جنین انسان، در برخی کشورها به دلیل عدم شناسایی شخصیت حقوقی برای جنین در تمام دوران حمل، با استناد به حقوق بشری مادر، «حق بر اختیار در سقط جنین» را به عنوان یکی از حقوق بشری مادران به رسمیت شناخته‌اند. این درحالی است که جنین انسان پس از حلول روح، انسان کاملی است که طبق مبانی اسلامی باید حقوق او مانند سایرین مراعات گردد. همان‌طور که ملاحظه گردید، جامع‌ترین نظرات در خصوص وجود یا فقدان شخصیت حقوقی در جنین انسان، نظری است که در اندیشه اسلامی ارائه شده است. چرا که گاه صاحب‌نظران با تأکید بر حقوق مادر، جنین را در تمامی مراحل تکوینی خویش فاقد شخصیت حقوقی دانسته و با نقض حق بر شناسایی شخصیت حقوقی در خصوص وی، حق مادران به سقط جنین را مورد پذیرش قرار داده‌اند؛ و یا برخی با نگاه جانبدارانه نسبت به جنین، او را از اولین مراحل رویانی حائز شخصیت حقوقی کاملی دانسته و سقط او را تحت هیچ شرایطی مجاز نمی‌دانند. در این بین از منظر تعالیم اسلامی با عنایت به شرایط تکوینی جنین، او را در مرحله‌ای از مراحل رشد جنینی و با توجه به حلول روح الهی و اتمام خلقت انسانی اش حائز کرامت ذاتی و به تبع آن شخصیت حقوقی کامل می‌داند؛ و او را به عنوان یک شخص در برابر قانون به رسمیت می‌شناسد، به طوری که در این مرحله هیچ ضرورتی اسقاط وی را توجیه نمی‌نماید. این درحالی است که در مرحله ابتدایی سیر تکاملی جنین هنگامی که حیات نباتی دارد، بدین لحاظ که در نخستین منزلگاه خلقت انسانی قرار دارد، حیات وی محترم است، اما همان‌طور که به تفصیل ذکر شد، این احترام تا جایی است که با حق حیات و سلامتی مادر در تعارض نباشد؛ بدین معنی که حیات جنین پیش از حلول روح الهی بر اساس ضرورت قابل عدول می‌باشد.

## یادداشت‌ها

۱. ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس حق دارد تا همه جا در برابر قانون به عنوان یک شخص شناسایی شود».

“Everyone has the right to recognition everywhere as a person before the law”.

و ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، حق بر شناسایی شخصیت حقوقی از جمله حقوق بشری است که در مطالعات حقوق بشری حقوقدانان کشور ما مغفول مانده و به آن پرداخته نشده است.

۲. حق مزبور که از حق کرامت انسانی نشأت گرفته است، به عنوان «قاعده عرفی بین‌المللی» مورد پذیرش مضاعف واقع شده است؛ و به این جهت که حمایت از حق افراد به شناسایی شخصیت حقوقی، به عنوان یکی از حداقل‌های حقوق بنیادین بشری، متضمن نفع جامعه بین‌المللی در کل می‌باشد، همچنین حق مذکور از مصادیق «تعهدات عام‌الشمول» به‌شمار می‌رود. در عین حال حق برخورداری افراد از شناسایی در مقابل قانون، بنابر صراحت ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، قاعده‌ای «غیر قابل تعلیق» بوده و تحت هیچ شرایطی حتی در مواقع اضطراری و جنگی، دولت‌ها نمی‌توانند از آن عدول نمایند. همچنین «حق فرد به شناسایی شخصیت حقوقی» از جمله استانداردهای بنیادین بشری است که در حیطه «حقوق مطلق و نامحدود» جای گرفته است. این حق بشری که موضوع ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد، حقی مطلق است که در همه موقعیت‌ها و در همه زمان‌ها باید رعایت و تضمین گردد و هیچ قید و استثنایی بر اعمال تمام و کمال آن از سوی حقوق بین‌الملل بشر قابل پذیرش نیست.

3. The Right to Life.
4. The right to be free from cruel, inhuman or degrading treatment.
5. The right to equality & to be free from gender discrimination.
6. The right to modify customs that discriminate against women.
7. The right to physical integrity.
8. The right to health, reproductive health, & family planning.
9. The right to privacy.
10. The right to determine number & spacing of one's children.
11. The right to the enjoyment of the benefits of scientific progress.
12. Safe and Legal Abortion is a Woman's Human Right, October 2011, P5.
13. My Body My Choice.



14. Women's Right to Abortion.

15. "The right to recognition as a person before the law" or "The right to recognition legal personality".

16. United States Supreme Court, Roe vs. Wade.

17. Robert A. Sedler, "The Supreme court will not overrule roe v. wade", Hofstra Law Review, vol. 34, Hofstra University, p. 1207. "A woman's constitutional right to make the choice to end an unwanted pregnancy by a safe and legal abortion."

18. "essential rights...are based on attributes of the human personality...".

19. the unborn human individual exists as a person.

20. Ulpian, was a Roman jurist.

21. Justinian.

22. Gratian.

23. Pontifical Council for the Family , he Family and Human Rights, Available at: [http://www.vatican.va/roman\\_curia/pontifical\\_councils/family/documents/rc\\_pc\\_family\\_doc\\_20001115\\_family-human-rights\\_en.html](http://www.vatican.va/roman_curia/pontifical_councils/family/documents/rc_pc_family_doc_20001115_family-human-rights_en.html).

۲۴. «روی عن إسحاق بن عمّار قال قلت لأبي الحسن عليه السلام المرأة تخاف الحَبَل فتشرب الدواء فتلقى ما في بطنها فقال لا فقلت فإنما هو نطفه قال إن أول ما يخلق نطفه»: اسحاق بن عمار از امام موسی بن جعفر(ع) پرسید: آیا زنی که از ادامه بارداری خوف دارد، می تواند دارویی مصرف نماید و حمل را سقط کند؟ حضرت پاسخ دادند که جایز نیست. ایشان دوباره سوال نمود که اگر آن حمل در حد نطفه باشد چه؟ امام علیه السلام فرمودند: نطفه اول خلقت انسانی است.

۲۵. منظور از «شخصیت حقوقی» در این نوشتار کاملاً متفاوت است با مباحث شخصیت حقیقی و شخصیت حقوقی که در حقوق خصوصی مطرح می گردد. مقصود شخصیت حقوقی ای است که در حق بر شناسایی شخصیت حقوقی برای هر فرد به عنوان یک شخص در برابر قانون مورد شناسایی و پذیرش حقوقی واقع می گردد.

26. The right to recognition of the Legal Personality.

۲۷. اکثریت علما بر این امر قائل هستند که حق حیات جنین در تمامی دوران جنینی محترم است، اما بنابر برخی ضروریات پیش از حلول روح، عدول از آن را ممکن می دانند. به عنوان نمونه:

حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای: با توجه به پاسخ استفتائات شماره‌ی ۱۲۶۱ تا ۱۲۷۱ از بین بردن نطفه بعد از استقرار آن در رحم و همچنین سقط جنین در هیچ کدام از مراحل بعدی را در هیچ حالی هرچند بر اثر زنا باشد، جایز نمی دانند. همچنین معظم له معتقدند که ناقص الخلقه بودن جنین، مجوز شرعی برای سقط جنین حتی قبل از ولوج روح در آن محسوب

نمی‌شود، ولی اگر تهدید حیات مادر بر اثر استمرار حاملگی مستند به نظر پزشک متخصص و مورد اطمینان باشد، سقط جنین قبل از ولوج روح در آن اشکال ندارد. (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir/tree/index.php?catid=11>).

حضرت آیت‌الله سیستانی در مسئله شماره ۲۴۷۱ می‌فرماید: «سقط کردن جنین جایز نیست، هر چند از زنا باشد، مگر اینکه باقی ماندن آن برای زن ضرر غیرقابل تحملی داشته باشد، یا مشقت زیاد داشته باشد که در این صورت قبل از جان یافتن جنین سقط کردن آن جایز است ولی دیه دارد، اما پس از جان یافتن جنین اسقاط جایز نیست، حتی - بنا بر احتیاط واجب - در صورتی که باقی ماندن آن برای زن مشقت یا ضرر غیرقابل تحملی داشته باشد. (سایت رسمی مرجع عالیقدر آقای سیدعلی حسینی سیستانی، <http://www.sistani.org/persian/book/50/115/>).

حضرت آیت‌الله وحید خراسانی در مسئله شماره ۲۹۶۷ بیان داشته‌اند: «اسقاط کردن جنین مطلقاً - چه روح در آن دمیده شده باشد یا نه و چه جنین از حلال باشد یا از راه زنا - حرام است و «دیه» نیز دارد؛ ولی اگر روح در جنین دمیده نشده باشد و به تشخیص پزشک حاذق و موثق، زنده ماندن مادر متوقف بر سقط آن باشد، یا این که بقاء آن در رحم مستلزم نقص عضو یا درد غیر قابل تحمل برای مادر باشد و زنده نگاه داشتن در خارج رحم نیز میسر نباشد، اشکال ندارد. (پایگاه اطلاع‌رسانی مراجع شیعه، <http://marjaema.net/?p=108&l=4&s=1011>).

حضرت آیت‌الله نوری همدانی در پاسخ به سؤالی درباره سقط جنین بیان داشتند: سقط جنین از منظر اسلام جایز نیست؛ حتی در ابتدای انعقاد نطفه، و این کار حرام و گناه بزرگی محسوب می‌شود. ایشان در ادامه با بیان این که اگر امر دائر شود، بین این که اگر ماندن جنین، سلامت مادر را تهدید کند و باقی ماندن جنین طبق نظر پزشک متخصص، سبب مرگ مادر شود، اگر سن جنین قبل از چهار ماهگی و دمیدن روح باشد، سقط آن جایز است، و اگر در جنین روح دمیده شود، در هیچ شرایطی سقط جنین جایز نیست و ترجیحی هم وجود ندارد. ایشان حتی، سقط جنین ناقص‌الخلقه را از نگاه اسلام حرام دانست.

(پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه <http://www.hawzah.net/fa/news/newsview/67075>)

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب احکام پزشکی اشعار می‌دارند: «سقط جنین تنها در صورتی جایز است که جان مادر در خطر باشد، همچنین اگر بیماری شدیدی مادر را تهدید کند، و جنین هنوز به مرحله دمیدن روح نرسیده باشد؛ و نیز اگر تشخیص قطعی داده شود که جنین به گونه‌ای ناقص است که برای پدر و مادر و اطرافیان سبب عسر و حرج شدید می‌شود، مشروط بر اینکه روح در آن دمیده نشده باشد. در این سه صورت، ختم حاملگی جایز است (ابوالقاسم علیان‌نژادی، احکام پزشکی مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع) و مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۷، ص ۳۶-۳۷).

مرحوم آیت‌الله فاضل لنگرانی در خصوص سقط حمل از زنا به دلیل حفظ آبرو یا آزار جسمی

فرموده‌اند: «اگر روح در آن دمیده نشده (قبل از چهار ماهگی) و مراحل اولیه را طی می‌کند، در صورتی که دختر اطمینان دارد و احتمال عقلایی بدهد که اگر جنین را سقط نکند، مورد اذیت و آزار غیرقابل تحمل قرار می‌گیرد و در عسر و حرج شدید واقع می‌شود، در چنین فرضی بعید نیست که سقط جنین حرام نباشد.» (محمد فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷، جامع المسائل، قم: نشر مهر، چاپ پنجم، ص ۵۵۰)

۲۸. مطابق احادیث معتبر: حمل در ۴۰ روز اول نطفه بوده و دیه آن ۲۰ دینار (مطابق با ۱۵ مثقال طلای متعارف)، و ۴۰ روز بعد علقه بوده و دیه آن ۴۰ دینار، و ۴۰ روز بعد مضغه بوده و دیه آن ۶۰ دینار است و دیه در بین این مراتب به همین حساب تقسیم می‌شود و بعد از آن که دارای استخوان (عظام) شد ۸۰ دینار، و پس از آن که گوشت (لحم) پیدا کرد ۱۰۰ دینار، و هنگامی که روح در او دمیده شد، دیه کامل تعلق می‌گیرد.

۲۹. «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»

۳۰. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ.» (سوره الحجر: آیه ۲۹)

۳۱. عبدالحمید بن هبه‌الله ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه لابن‌ابی‌الحدید، المجلد الأول، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۰۰؛ و محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار، المجلد الحادی عشر، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۳۲.

۳۲. نهج البلاغه، خطبه اول: «و استأدى الله سبحانه الملائكة وديعته لديهم، و عهد وصيته إليهم، في الإذعان بالسجود له و الخنوع لتكريمته.»

۳۳. «... لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ذلكم وصيكم به لعلكم تعقلون (القرآن الكريم، سوره انعام: آیه ۱۵۱) نفسی را که خدا کشتن آن را حرام کرده جز به حق مکشید، این‌ها است که خدا شما را بدان سفارش کرده است، شاید تعقل کنید.» همان‌طور که ملاحظه می‌نماییم، خداوند حق حیات را برای موجودی که مصداق «نفس» شده است محترم می‌شمارد.

۳۴. «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ: فَإِذَا نَشَأَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرٌ وَ هُوَ الرُّوحُ فَهُوَ حِينئذٍ نَفْسٌ»، امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرمایند: پس هنگامی که خلقت نهایی که همان روح می‌باشد، در جنینی انسانی به وجود آمد و نشأت یافت، پس او در این هنگام نفس خواهد بود؛ محمد بن حسن شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، المجلد التاسع و العشرون، قم: مؤسسه آل‌البتت علیهم السلام، ص ۳۱۲.

۳۵. حق فرد به شناسایی شخصیت حقوقی مستقیماً از کرامت انسانی او نشأت می‌گیرد، حق مزبور، به حق کرامت انسانی در عرصه حقوقی واقعیت بخشیده و آن را عملی می‌نماید.

Willem-Jan van der Wolf, S. de Haardt, Global human rights law collection, Part 3

,Global Law Association, 2007, p. 21.

۳۶. در مرحله‌ای که جنین دارای روح شده، احکام و حقوقی شامل او می‌شود که پیش از این برای او مقرر نشده بود. از جمله این‌که دیه‌ی قتل او دیه‌ی کامل نفس انسانی خواهد بود و کفاره قتل انسان (دو ماه روزه متوالی) بر آن مقرر شده است، مقررات درباره غسل، کفن و دفن جنین و نیز وجوب غسل به جهت مس جنین مرده پس از حلول روح شامل او می‌شود.

۳۷. سقط جنین بعد از دمیده شدن روح در آن مطلقاً جایز نیست. بر این امر فقهای شیعه بر اساس روایات موجود اتفاق نظر دارند.

۳۸. این درحالی است که حتی برخی علمای شیعه در گذشته (همچون ابن حزم المحلی، سید عبد الاعلی سبزواری) به دلیل خروج روح، سقط جنینی که خلقت او تکمیل شده و روح در او دمیده شده است را مستوجب قصاص نفس می‌دانند. «و هو إزهاق الروح المحترمه».

مسعود امامی، «قصاص در سقط عمدی جنین»، فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۵۳، ص ۶۹.

۳۹. به‌طور مثال کسی که جنین را عامدانه به قتل می‌رساند، قصاص نمی‌شود، و موارد مهمی از حقوق مالکانه در خصوص او همچنان معلق می‌ماند. چون تعلق سهم الارث به جنین و تملک مورد وصیتی که به نفع وی صورت پذیرفته است.

۴۰. شخصیت حقوقی با توانایی و ظرفیت حقوقی فرد رابطه نزدیکی دارد، اما در سطح مفهومی آن‌ها از یکدیگر متمایز هستند. این امر ممکن است که یک فرد شخصیت حقوقی داشته باشد بدون اینکه توانایی و ظرفیت حقوقی کامل برای اعمال آن را دارا باشد. بنابراین شخصیت استعدادی است که بر اساس آن یک انسان صاحب کرامت دارنده حقوق و تکالیف می‌باشد و «ظرفیت» استعدادی برای اعمال شخصیت حقوقی توسط خود فرد است.

Mónica Feria Tinta, *The Landmark Rulings of the Inter-American Court of Human Rights on the Rights of the Child: Protecting the Most Vulnerable at the Edge*, Martinus Nijhoff Publishers, Netherlands, 2008, p. 619.

۴۱. بند ۵ ماده ششم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «حکم اعدام در مورد جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از هجده سال صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست».

42. Declaration of the Rights of the Child adopted by the General Assembly on 20 November 1959.

43. Convention on the Rights of the Child(CRC), by General Assembly resolution 44/25 of 20 November 1989 entry into force 2 September 1990.

44. Before as well as after birth.

۴۵. «هرکس حق دارد در مقابل قانون به‌عنوان یک شخص شناسایی شود».

46. Objects of the law.

47. "Just as animals are the objects of laws forbidding cruelty to animals".
48. Vienna Convention on the Law of Treaties (1969).
49. Maputo Protocol.
50. Article 14: Health and Reproductive Rights, 2(c): protect the reproductive rights of women by authorizing medical abortion in cases of sexual assault, rape, incest, and where the continued pregnancy endangers the mental and physical health of the mother or the life of the mother or the foetus.
51. Cairo and Beijing Documents.
52. "consensus documents".
53. The United Nations Human Rights Committee.
54. UN Human Rights Committee (HRC), UN Human Rights Committee: Concluding Observations: Argentina, 15 November 2000, CCPR/CO/70/ARG, para. 14.
55. Karen Noelia Llontoy Huamán v. Peru, Comm. No. 1153/2003 , U.N. Doc. CCPR/C/85/D/1153/2003 (2005) , para. 2.1,2.2, 2.3 , 2.6.
56. Karen Noelia Llontoy Huamán v. Peru, Human Rights Committee, Comm. No. 1153/2003, U.N. Doc. CCPR/C/85/D/1153/2003 (2005) , para. 6.3.
57. The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW).
58. The United Nations Committee on the Elimination of Discrimination against Women.
59. General recommendation.
60. Clandestine abortions.
61. Maternal mortality.
62. Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding Observations: Pakistan, U.N. Doc. CEDAW/C/PAK/CO/3 (2007), para. 40.
63. Serious foetus malformation or rape.
64. Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding observations of the CEDAW, Fifty-third session, CEDAW/C/CHL/CO/5-6, 24 October 2012 , para. 34.
65. Tysięc v. Poland, Application no. 5410/03 , Eur. Ct. H.R., 20 March 2007, para. 107.
66. Right to Legal Personality: "Everyone has the right to recognition everywhere as a person before the law."

٦٧. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ». (القرآن كريم، سورة الحجر: آية ٢٩).

## منابع

## فارسی

- اترک، حسین (۱۳۸۷)، «دلایل فلسفی موافقان و مخالفان سقط جنین (سقط جنین در فلسفه‌ی اخلاق)»، *مجله اخلاق و تاریخ اخلاق پزشکی*، دوره ۱، تابستان، شماره ۳، ص ۵۵.
- امامی، مسعود (۱۳۸۶)، «قصاص در سقط عمدی جنین»، *فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)*، پاییز، شماره ۵۳، ص ۶۹.
- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، <http://www.hawzah.net/fa/news/newsview/67075>.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir/tree/index.php?catid=11>.
- پایگاه اطلاع‌رسانی مراجع شیعه، <http://marjaema.net/?p=108&l=4&s=1011>.
- جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۷۰)، *تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب*، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۵)، «شبیه‌سازی درمانی و حق بر سلامتی در قلمرو حقوق بین‌الملل بشر»، *پژوهش حقوق و سیاست*، پاییز و زمستان، شماره ۱۹، ص ۳۴ و ۳۵.
- سایت رسمی مرجع عالیقدر آقای سیدعلی حسینی سیستانی، <http://www.sistani.org/persian/book/50/115>.
- طالقانی، محمود (۱۳۷۴)، *پرتوی از نهج‌البلاغه*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.

- علیان نژادی، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، *احکام پزشکی مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی*، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع) و مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

- فاضل لنگرانی، محمد (۱۳۷۷)، *جامع المسائل*، قم: نشر مهر، چاپ پنجم.

- مهرگان، امیرحسین (۱۳۸۴)، «سقط جنین و حقوق بشر در آئینه حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه باروری و ناباروری*، پاییز، ص ۴۱۴.

- نوزدی فردوسی، محمد (۱۳۸۴)، «سقط جنین در حقوق اسلامی و فمینیسم»، *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)*، تابستان، شماره ۲۸، ص ۴۶.

### عربی

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ ق)، *شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید*، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، المجلد الأول.

- بروجردی، سیدحسین (۱۳۸۶)، *جامع احادیث الشیعه*، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، المجلد الواحد و ثلاثون.

- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، المجلد التاسع و العشرون.

- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، المجلد الحادی عشر.

### English

- Bohman, James (2009), "Living without Freedom: Cosmopolitanism at Home and the Rule Of Law", *Political Theory*, August, Number 4, Volume 37.

- Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding Observations: Pakistan, U.N. Doc. CEDAW/C/PAK/CO/3 (2007).

- Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding observations of the CEDAW, Fifty-third session, CEDAW/C/CHL/CO/5-6, 24 October 2012.

- Convention on the Rights of the Child(CRC), by General Assembly resolution 44/25 of 20 November 1989 entry into force 2 September 1990.

- David A. Grimes (2006), "Unsafe abortion: the preventable pandemic", *Journal paper of The Lancet Sexual and Reproductive Health Series 4*,

World Health Organization, October, p1.

- Declaration of the Rights of the Child adopted by the General Assembly on 20 November 1959.

- Galchinsky, Michael (2011), **The 'War on Terror' and the Right to Legal Personality**, Center for Human Rights and Democracy, Georgia State University, Atlanta.

- Giuseppe Benagiano (2012), "Is free and unconditioned access to abortion a human right?", **American Journal of Social Issues & Humanities**, July, vol.2, p. 259.

- Guðmundur S. Alfreðsson, Asbjørn Eide (1999), **The Universal Declaration of Human Rights: A Common Standard of Achievement**, Martinus Nijhoff Publishers, The Hague.

- Human Rights Council (2012), Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/19/58/Rev.1 , 2 March, para. 42, Preamble.

- Karen Noelia Llontoy Huamán v. Peru, Comm. No. 1153/2003 , U.N. Doc. CCPR/C/85/D/1153/2003 (2005).

- Karen Noelia Llontoy Huamán v. Peru, Human Rights Committee, Comm. No. 1153/2003, U.N. Doc. CCPR/C/85/D/1153/2003 (2005).

- Piero A. Tozzi, J.D. (2010), **International Law and the Right to Abortion**, International Organizations Law Group, Legal Studies Series, Number One.

- Pontifical Council for the Family, he Family and Human Rights, Available at: [http://www.vatican.va/roman\\_curia/pontifical\\_councils/family/documents/rc\\_pc\\_family\\_doc\\_20001115\\_family-human-rights\\_en.html](http://www.vatican.va/roman_curia/pontifical_councils/family/documents/rc_pc_family_doc_20001115_family-human-rights_en.html).

- Rhona K.M.Smith (2007), **Textbook on International Human Rights**, New York: Oxford University Press, 3rd Edition.

- Rita, Joseph (2009), **Human Rights and the Unborn Child**, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers, p. 67 and 68.

- Robert A. Sedler, "The Supreme court will not overrule roe v. wade", **Hofstra Law Review**, Hofstra University, vol. 34.



- Safe and Legal Abortion is a Woman's Human Right, October 2011, p5, [http://reproductiverights.org/sites/crr.civicaactions.net/files/documents/pub\\_fac\\_safeab\\_10.11.pdf](http://reproductiverights.org/sites/crr.civicaactions.net/files/documents/pub_fac_safeab_10.11.pdf).

- The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW).

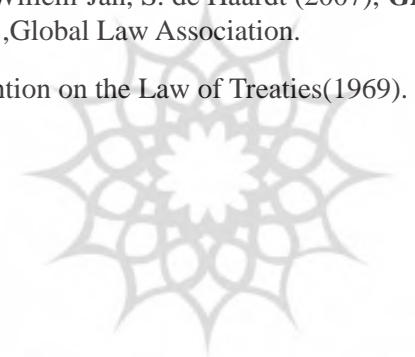
- Tinta ,Mónica Feria (2008), **The Landmark Rulings of the Inter-American Court of Human Rights on the Rights of the Child: Protecting the Most Vulnerable at the Edge**, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers.

- Tysięc v. Poland, Application no. 5410/03 , Eur. Ct. H.R., 20 March 2007.

- UN Human Rights Committee (HRC), UN Human Rights Committee: Concluding Observations: Argentina, 15 November 2000, CCPR/CO/70/ARG.

- van der Wolf, Willem-Jan, S. de Haardt (2007), **Global human rights law collection**, Part 3 ,Global Law Association.

- Vienna Convention on the Law of Treaties(1969).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی